

تنوع در راهکار یا پیچیدگی در ساختار: روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی حادث در نتیجه انجام فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها

سید ضیاءالدین مدنی*

پژوهشکده علوم دریایی، گروه حقوق و مطالعات راهبردی، مؤسسه ملی اقیانوس‌شناسی

چکیده

روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی، بخش مهمی از بدنه حقوق بین‌الملل معاهدات به‌شمار می‌روند. کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد راجع به حقوق دریاها در پاره‌ای از موضوعات مقررات متفاوتی در باب روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی پیش‌بینی نموده است که گاهی فراتر از مقررات عمومی مربوط به حل و فصل اختلافات بین‌المللی در آن کنوانسیون است. از همین رو، در این موارد با فرایندهای کمابیش متنوعی روبرو می‌شویم که گرچه در بادی امر حاکی از تنوع در راهکارها و روش‌های فیصله اختلافات است، در عین حال به نظر می‌رسد کاشف از نوعی پیچیدگی و اجمال در ساختار نیز باشد. یکی از این موارد، روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلاف بین‌المللی حادث در نتیجه انجام فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی است. از آنجایی که مقررات راجع به تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از بسیاری از جهات یک نوآوری قلمداد می‌شود که از رهگذر توسعه تدریجی حقوق بین‌المللی رخ داده است، تدوین‌کنندگان این کنوانسیون فرایندی متنوع برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات احتمالی بین‌المللی حادث در نتیجه این سلسله فعالیت‌های تحقیقاتی تدارک دیده‌اند. این تنوع تا حد زیادی به پیچیدگی در فهم و درک، و ملاً، اجرای این فرایند انجامیده است که نیازمند بررسی و موشکافی در این نوشتار است.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، حقوق دریاها، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد

*نویسنده مسوول، پست الکترونیک: madani.zia@gmail.com

۱. مقدمه

امروزه تمامی کشورها به اهمیت فزاینده تحقیقات علمی دریایی در ابعاد گوناگون آگاهند و بدان توجه جدی مبذول می‌نمایند. افزون بر این، شماری از سازمان‌های بین‌المللی نیز به‌طور تخصصی به این مقوله می‌پردازند. همکاری دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با یکدیگر در زمینه تحقیقات علمی دریایی و نیز فعالیت‌های تحقیقاتی انفرادی دولت‌ها در مناطق دریایی دیگر دولت‌ها و یا حتی دریای آزاد، می‌تواند به پیدایش اختلاف در تفسیر و یا اجرای مقررات راجع به این سلسله فعالیت‌ها بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها منجر گردد. واکاوی و تبیین مقررات پیش‌گفته، هم از این حیث اهمیت بسزایی دارد و هم، از حیث این‌که کشورهایی مانند کشورمان ایران، که هنوز به این کنوانسیون نپیوسته‌اند، نیازمند نیل به درکی درست از این روش‌ها و فرایندها هستند تا بتوانند مسیری روشن و دقیق از چشم‌انداز موضع آتی‌شان در قبال این سند مهم بین‌المللی ترسیم کنند.

روش‌های حل و فصل اختلافات بین‌المللی ناشی از تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، کمک شایانی به برقراری فضای اعتماد و توازن میان منافع دو گروه دولت‌های ساحلی و دولت‌های تحقیق‌کننده، از طریق پیش‌بینی ضمانت اجراهای محکم نموده است. افزون بر این، جالب است که بدانیم این روش‌های حل و فصل مقرر در کنوانسیون از تعدد و گوناگونی جالب توجهی برخوردارند و از همین رو، امکان‌پذیرش روش‌های سازگار با مصالح هر دولت را برای وی مهیا ساخته است.

بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها حاوی یک سامانه حل و فصل اختلاف پیچیده، با آیین‌های گوناگون است که نتایج آن، طیف گسترده‌ای را دربرمی‌گیرند. این نتایج حاصل از سامانه حل و فصل اختلاف، از گزارش‌های اصلاحی مبنی بر سازش مندرج در بند ۲ ماده ۷ پیوست پنجم کنوانسیون

روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی بخش مهمی از بدنه حقوق بین‌الملل معاهدات به‌شمار می‌روند. افزون بر این اهمیت، مقررات مربوط به حل و فصل اختلافات بین‌المللی در اسناد بین‌المللی به‌طور معمول از حساسیت خاصی برای دولت‌ها برخوردار است. این حساسیت تا حدی است که گاهی می‌تواند تصمیم یک دولت در پیوستن به یک معاهده بین‌المللی را با چالش روبرو کند. درست از همین روست که تدوین‌کنندگان معاهدات بین‌المللی به این مقوله توجه ویژه دارند تا مبادا شمار دولت‌های متقاضی عضویت بدان - که همانا شرط دوام یک معاهده بین‌المللی است - را با کاهش روبرو سازد.

کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد راجع به حقوق دریاها در پاره‌ای از موضوعات مقررات متفاوتی در باب روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی پیش‌بینی نموده است که گاهی فراتر از مقررات عمومی مربوط به حل و فصل اختلافات بین‌المللی در آن کنوانسیون است. از همین رو، در این موارد با فرایندهای کمابیش متنوعی روبرو می‌شویم که گرچه در بادی امر حاکی از تنوع در راهکارها و روش‌های فیصله اختلافات است، در عین حال به نظر می‌رسد کاشف از نوعی پیچیدگی و اجمال در ساختار نیز باشد. یکی از این موارد، روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلاف بین‌المللی حادث در نتیجه انجام فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی است. از آنجایی که مقررات راجع به تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از بسیاری از جهات یک نوآوری قلمداد می‌شود که از رهگذر توسعه تدریجی حقوق بین‌المللی رخ داده است، تدوین‌کنندگان این کنوانسیون فرایندی متنوع برای حل و فصل احتمالی اختلافات بین‌المللی حادث در نتیجه این سلسله فعالیت‌های تحقیقاتی تدارک دیده‌اند. این تنوع تا حد زیادی به پیچیدگی در فهم و درک، و ملاً، اجرای این فرایند انجامیده است که نیازمند بررسی و موشکافی است.

اختلافات حادث در چارچوب بخش سیزدهم کنوانسیون، به موجب ماده ۲۶۴، تابع سامانه و روش‌های حل و فصل اختلاف مندرج در بخش پانزدهم هستند.^۴ پیش از ورود به مبحث این روش‌ها و بررسی آن‌ها، نخست لازم است بدانیم به چه اختلافی، اختلاف راجع به تحقیقات علمی دریایی اطلاق می‌گردد. بنابراین در مبحث نخست، در باب چستی اختلاف راجع به تحقیقات علمی دریایی مباحثی را مطرح کنیم و سپس در مباحث بعدی به بررسی روش‌های حل و فصل این اختلافات اهتمام می‌ورزیم.

مبحث اول: ماهیت اختلاف مربوط به تحقیقات علمی دریایی

ماده ۲۶۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای رژیم خاصی را برای حل و فصل اختلاف ناشی از تحقیقات علمی دریایی تکوین نموده است. برطبق این ماده «اختلافات مربوط به تفسیر یا اجرای مقررات این کنوانسیون در خصوص تحقیقات علمی دریایی باید برطبق بخش پانزدهم کنوانسیون (بخش‌های ۲ و ۳) حل و فصل گردند». اهمیت قسمت‌های ۲ و ۳ بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای در این است که آن‌ها دسته‌های خاصی از اختلافات ناشی از تحقیقات علمی دریایی را از چارچوب قاعده کلی صلاحیت اجباری الزام‌آور خارج می‌سازد. (Boyle, 2007) شایان توجه است که ماده ۲۶۴ محدود و منحصر به اختلافات مربوط به بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای نیست و بلکه بر

گرفته،^۱ تا تصمیمات الزام‌آور در بند ۱ ماده ۲۹۶ گوناگونی دارند.^۲ بخش پانزدهم تا آن‌جا اهمیت دارد که تعادل و توازن منافع در بخش‌های ماهوی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای را تضمین می‌نماید.^۳

^۱ بند ۲ ماده ۷ پیوست پنجم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای از این قرار است: «گزارش (اصلاحی) کمیسیون، به انضمام نتایج یا توصیه‌های آن، برای اعضا الزام‌آور نخواهد بود.»

^۲ بند ۱ ماده ۲۹۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای چنین است: «هر تصمیم متخذه از سوی دادگاه یا محکمه‌ای که وفق این قسمت (از کنوانسیون) دارای صلاحیت است، قطعی بوده و باید تمامی طرف‌های اختلاف بدان پایبند باشند.»

^۳ باید توجه داشت که مواردی که می‌توان براساس بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای در باب حل و فصل اختلافات مورد استناد قرار داد، باید همان حقوقی باشند که در چارچوب حقوق بین‌الملل برای دولت ساحلی یا دولت تحقیق‌کننده قابل تصور است. به بیان دیگر، در مواردی که یک سکوی تحقیقاتی (مانند یک کشتی) به روابط موضوع حقوق خصوصی ورود می‌کند (مثلاً از طریق انعقاد قرارداد برای تدارک حامل سوخت، حتی با یک دولت)، در این صورت حقوق بین‌الملل خصوصی یا قوانین حل تعارض مجری خواهند بود و توسط محاکم حقوق خصوصی صلاحیت رسیدگی به موضوع را خواهند داشت. سکوی تحقیقاتی یا متصدی آن، در زمره تابعان حقوق بین‌الملل به‌شمار نمی‌روند و برهمین اساس، امکان اقامه دعوی نزد یک دادگاه بین‌المللی را ندارند. در مواردی که اختلاف راجع به حقوق ناشی از بخش سیزدهم کنوانسیون، یا به بیان دقیق‌تر، هر قاعده یا عرف بین‌المللی باشد، در این صورت دولت تحقیق‌کننده باید به حقوق مربوط به اقامه دعوی خود علیه دولت ساحلی استناد جوید، حتی در مواردی که این حقوق تنها توسط افراد خصوصی قابل مطالبه باشند، دولت مربوطه به «نماینده‌گی» از جانب سکوی یا متصدی تحقیقات در اعمال حمایت دیپلماتیک باید مبادرت به طرح دعوی نماید.

- برای مطالعه بیشتر در این زمینه و به‌طور کلی مقوله حل و فصل اختلافات در عرصه حقوق بین‌الملل دریاهای، بنگرید به منابع ذیل:

- Alan Boyle, Forum Shopping for UNCLOS Disputes Relating to Marine Scientific Research, in M. H. Nordquist and others, editors, *Law, Science and Ocean Management*, Martinus Nijhoff, 2007, pp. 519-540.

- David Anderson, Scientific Evidence in Cases under Part XV of the LOSC, in M. H. Nordquist and others, editors, *Law, Science and Ocean Management*, Martinus Nijhoff, 2007, pp. 505-518.

- Gorina-Ysern, M., An international regime for marine scientific research, Transnational Publishers, 2003, pp. 275-279.

- M. Nordquist and others, editors, op. cit, vol. V, Articles 279 to 320, Annexes V, VI, VII, VIII and Final Act, Annex I, Resolution I, III and IV.

- Wegelein, F. H. Th., 2005. Marine scientific research: the operation and status of research vessels and other platforms in international law, Martinus Nijhoff, pp. 301-307.

- SH. Rosenne, The Settlement of Disputes in the New Law of the Sea, *Iranian Review of International Relations*, No. 11-12, 1978, pp. 401-433.

^۴ ماده ۲۶۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای چنین است: «اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای مقررات این کنوانسیون درباره تحقیقات علمی دریایی باید بر اساس قسمت‌های ۲ و ۳ بخش پانزدهم حل و فصل گردند.»

منطقه انحصاری اقتصادی گینه را نمی‌توان در قالب یک اختلاف ماهیگیری از حیث تعیین صلاحیت محکمه به شمار آورد که به تبع آن بتوان دستور آزادی فوری کشتی را مطابق ماده ۷۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مورد درخواست قرار داد (The M/V Saiga (St. Vincent and the Grenadines v. Guinea), (1997), International Tribunal for the Law of the Sea, No. 1).

البته دیوان اقدام به صدور دستور موقت مبنی بر آزادی فوری کشتی نمود اما نه بر پایه توصیف گینه مبنی بر نقض قوانین صیادی این کشور، بلکه بر پایه نقض قوانین گمرکی این کشور. دیوان در جریان دعوی متعاقب همین قضیه مبنی بر درخواست دستور موقت، دوباره توصیف گینه از قضیه مطروحه را نمی‌پذیرد، این بار در قالب یک اختلاف ناشی از صیادی در منطقه انحصاری اقتصادی که از چارچوب صلاحیت اجباری مقرر در مواد ۲۹۷ (بند ۳) و ۲۹۸ (بند ۱ پاراگراف ب) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها خارج است، و در عوض چنین حکم می‌کند که درباب تعیین صلاحیت تجویز دستور موقت، به نظر دیوان، قضیه در ظاهر در چارچوب صلاحیت اجباری وفق بند ۱ ماده ۲۹۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها قرار می‌گیرد و امکان صدور دستور موقت در مورد آن وجود ندارد (Boyle, 2007).

آنچه می‌توان از بررسی این دو رأی صادره در قضیه موسوم به سایگا استنباط نمود این است که توصیف و چارچوب‌شناسی موضوعات مورد اختلاف، توسط محاکم یا دادگاه‌های رسیدگی کننده به آن اختلاف، و نه اطراف دعوی، به انجام خواهد رسید. این استدلال بدون شک در خصوص این که آیا یک اختلاف را می‌توان در قالب یک اختلاف مربوط به «تحقیقات علمی دریایی» توصیف و چارچوب‌شناسی نمود نیز جاری است.

قاعده اصلی آن است که اختلافات به موجب ماده ۲۸۶ کنوانسیون، به آیین‌های قسمت دوم ارجاع شوند تا از تصمیمات و آرای الزام‌آور بهره‌مند شوند.

تمامی اختلافات مربوط به تحقیقات علمی دریایی وفق تمامی مفاد مربوطه کنوانسیون جاری و ساری است. (Boyle, 2007)

از سوی دیگر، ماده ۲۶۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها روشن است که بر اختلافات مربوط به تحقیقات علمی غیردریایی نیز قابلیت اجرا ندارد. از این رو، مهم است بدانیم که چه چیز کاشف از «تحقیقات علمی دریایی» است؛ اصطلاحی که در کنوانسیون تعریفی از آن به عمل نیامده است. در چارچوب بحث کنونی، به ذکر چند مثال برای درک مفهوم این گونه تحقیقات بسنده می‌کنیم. تحقیقاتی که در دریا به انجام می‌رسند اما متمرکز بر، به طور مثال، پایش و نظارت اتمسفر یا شکاف لایه ازن هستند، کاشف از «تحقیقات علمی دریایی» نیستند. (Boyle, 2007) وضعیت در مورد تحقیقاتی که بر مقاصد نظامی متمرکز است نیز چنین است. در صورت وضعیت تحقیقات آب‌شناسی در این زمینه تردید وجود دارد، و مسایل و تردیدهای دیگری نیز در سایر موارد همچنان وجود دارد. منظورمان در اینجا این نیست که بگوییم اختلافات مربوط به تحقیقات غیردریایی تابع نظام حل و فصل اجباری اختلافات نیستند، آن هم تنها بدین خاطر که از دایره رژیم مقرر در ماده ۲۶۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها بیرون‌اند. افزون بر این، بخش سیزدهم کنوانسیون میان تحقیقات محض و تحقیقات کاربردی قایل به تفکیک شده است.

پرسش مهمی که اکنون مطرح می‌شود این است که آیا ملاک امر برای یک اختلاف ناشی از تحقیقات علمی دریایی، تشخیص و توصیف دولت خواهان دعوی است، و یا این امر بسته به نظر محکمه‌ای است که اختلاف در آن مطرح می‌شود و آیا محکمه مورد نظر این اختیار را دارد که خود اقدام توصیف و تشخیص نوع و قالب اختلاف کند یا خیر. (Boyle, 2007) در قضیه سایگا (Saiga)، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها با اکثریت آرا مقرر داشت که توقیف تانکر نفتی سوخت‌رسان به کشتی‌های صیادی در

الف) این نظام حل و فصل اختلاف، یک نظام ثانوی است، بدین معنا که طرفین اختلاف در بادی امر مکلف به تبادل دیدگاه‌های خود و انجام مذاکرات پیش از توسل به آیین‌های اجباری هستند (ماده ۲۸۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها)^۱، و آن‌گاه آنان می‌توانند به انتخاب خود توافق کنند که روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز دیگری را برای فیصله اختلاف خود وفق مواد ۲۸۰ و ۲۸۱ کنوانسیون برگزینند.^۲ کنوانسیون در ماده ۲۸۴ به صراحت مقرر می‌دارد که طرفین اختلاف می‌توانند از طریق انعقاد موافقتنامه توافق کنند که به جای آیین‌های مقرر در بخش پانزدهم کنوانسیون به صلح و سازش غیرالزام‌آور، متوسل شوند. (Boyle, 2007) افزون بر این، هر توافقنامه چندجانبه یا دوجانبه که متضمن توسل یک‌جانبه به یک آیین جایگزین، با تصمیمی الزام‌آور باشد، موجب مستثنی شدن آیین‌های مقرر

درعین حال، ماده ۲۹۷ کنوانسیون شماری از استثنائات را مطرح می‌کند که در آن‌ها اختلاف موردنظر به‌طور خاص (و به‌طور استثنایی) به کمیسیون آشتی ارجاع خواهند شد. حتی با این‌که گزارش این کمیسیون آشتی از وزن و قدرت آرای صادره توسط یک محکمه بین‌المللی برخوردار نیست، با این حال، در عرصه حقوق بین‌الملل حایز اهمیت است بدین دلیل که در حکم یک بیانیه رسمی است. فایده برخورداری از این راه‌حل کم‌وزن‌تر و کم‌قدرت‌تر آن است که دولت‌ها بیشتر مهیا هستند که اختلاف خود را به حل و فصل اختلاف از طریق دولت عضو ثالث واگذار کنند.

افزون بر این، شایان ذکر است که آشتی اجباری را نباید کم‌اهمیت‌تر از حل و فصل اجباری اختلافات تلقی کرد، بدین دلیل که، با این‌که تصمیمات کمیسیون آشتی برای سایر دولت‌های عضو الزام‌آور نیست، با این حال «به‌عنوان یک رأی بی‌طرفانه و غیرمغرضانه نمی‌تواند از سوی طرفین اختلاف نادیده گرفته شود». (Anderson, 2007) علاوه بر این، تصمیمات کمیسیون آشتی متضمن نوعی «قدرت اقناعی ناشی از افکار عمومی سایر کشورها» است، آن هم از این حیث که تصمیمات مزبور برای دبیرکل ملل متحد به‌عنوان امین ارسال خواهد شد و دولت‌های عضو مکلف به اطلاع به دبیرکل در این رابطه هستند که آیا خواستار پایبندی به تصمیم مزبور هستند یا خیر. این‌گونه علنی‌سازی به خودی خود یک دولت بی‌میل را قانع خواهد ساخت که به تجدیدنظر و بازنگری در تصمیم خود بیاندهد، پیش از اینکه به‌طور قطع بخواهد تصمیم کمیسیون آشتی را مردود سازد. به بیان دیگر «هیچ دولتی مایل نیست که ببیند قصور عمدی یا غیرعمدی‌اش در پایبندی به التزامات قراردادی در معرض دید همگان قرار گیرد».

مبحث دوم: حل و فصل اختلاف برطبق بخش

پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها

به‌طور کلی، نظام حل و فصل اختلاف مقرر در بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ دارای ۴ عنصر اصلی است:

^۱ ماده ۲۸۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از قرار ذیل است:

«ماده ۲۸۳: تعهد به تبادل نظر

۱- هنگامی که اختلافی میان دولت‌های عضو راجع به تفسیر یا اجرای این کنوانسیون رخ می‌دهد، طرف‌های اختلاف باید فوراً مبادرت به تبادل نظر در خصوص حل و فصل آن از طریق مذاکره یا سایر روش‌های مسالمت‌آمیز نمایند.

۲- همچنین طرف‌های اختلاف باید فوراً مبادرت به تبادل نظر نمایند چنانچه یکی از روش‌های حل و فصل در مورد آن اختلاف به نتیجه‌ای نرسیده باشد، یا هنگامی اختلاف حل و فصل شده باشد اما شرایط موجود، گفتگو و مشورت پیرامون چگونگی اجرای آن را اقتضا نماید.»

^۲ مواد ۲۸۰ و ۲۸۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها چنین مقرر می‌دارند:

«ماده ۲۸۰: حل و فصل اختلافات از طریق هر روش مسالمت‌آمیز منتخب اعضا

هیچ چیز در این بخش به حق دولت‌های عضو دایر بر توافق، در هر زمان، مبنی بر حل و فصل یک اختلاف میان آنان در خصوص تفسیر یا اجرای این کنوانسیون به هر طریق مسالمت‌آمیز منتخب خودشان، خدشه‌ای وارد نخواهد ساخت.

ماده ۲۸۱: آیین مربوط به مواردی که اعضا هیچ توافقی دال بر حل و فصل نمی‌کنند

۱- اگر دولت‌های عضو که طرف‌های یک اختلاف راجع به تفسیر یا اجرای این کنوانسیون هستند در خصوص حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافشان، به انتخاب خود بر سر یک روش خاص توافق نموده باشند، روش‌های مقرر در این بخش از کنوانسیون تنها در صورتی مجری خواهد بود که روش منتخب خودشان به نتیجه‌ای مبنی بر حل و فصل اختلاف نرسیده باشد و توافق میان آنان نیز توسل به روش‌های دیگر را منع نکرده باشد.»

البته استثنائاتی نیز دارد که به طور خاص در خصوص اختلافات مربوط به منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره (ماده ۲۹۷)، مرزهای سرزمینی، و حاکمیت بر سرزمین (ماده ۲۹۸) هستند. سایر استثنائات موجب خواهند شد که در عمل، صلاحیت نسبت به گروه‌های مهمی از اختلافات جنبه اجباری نداشته باشند.^۳ این مقوله از این جهت به موضوع تحقیقات علمی دریایی مرتبط است که این تحقیقات ممکن است در مناطق انحصاری اقتصادی یا فلات قاره رخ دهند و از این رو در چارچوب استثنای پیش‌گفته، صلاحیت اجباری خود را از دست دهند. همچنین این امکان وجود دارد که اختلاف حادث میان دو دولت (تحقیق‌کننده و ساحلی) بر سر تحقیقات علمی دریایی، حسب اتفاق در حوزه‌ای حادث شود که منطقه موردنظر آن، دستخوش اختلافات مرزی یا حاکمیتی سرزمینی میان همان دو دولت بوده باشد و در این صورت محکمه رسیدگی‌کننده، در بادی امر و در مقوله احراز صلاحیت، در کنار مسئله اختلاف بر سر تحقیقات علمی دریایی با موضوع دیگری نیز روبه‌رو است که محل اختلاف است.

ج) سوم اینکه، در مواردی که بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای مجری است، برآیند آن به طور معمول یک تصمیم الزام‌آوری است که طرف‌های اختلاف مکلف به پایبندی بدان هستند (ماده ۲۹۶). استثنای وارد بر این اصل تنها هنگامی است که روش اجباری حل و فصل اختلاف، برطبق

^۳ نمونه بارز این استثنای اجباری بودن صلاحیت در چارچوب پیش‌گفته، اختلافات مرزی دریایی است. اختلافات مرزی دریایی اصولاً تابع نظام اجباری حل و فصل اختلاف هستند، حتی در مواردی که اختلاف مربوط به حاکمیت بر جزایر یا سایر اختلافات مربوط به قلمرو سرزمینی است. با همه این احوال، ماده ۲۹۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای مجری این اجازه را می‌دهد که در خصوص اختلافاتی که راجع به مالکیت‌های تاریخی یا خلیج‌های کوچک تاریخی هستند، از طریق صدور اعلامیه، یک یا چند روش اجباری از روش‌های چهارگانه حل و فصل اختلاف را نپذیرند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به:

- A. E. Boyle, Dispute Settlement and the Law of the Sea Convention: Problems of Fragmentation and Jurisdiction, *International and Comparative Law Quarterly*, No. 46, 1997, p. 37.

در بخش پانزدهم خواهد شد (ماده ۲۸۲).^۱ پس، بنابر آن چه در باب عنصر نخست نظام حل و فصل اختلاف بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای گفته شد، ثانوی بودن این نظام بدین معناست که چنانچه طرفین پیش از این توافق نموده‌اند که به روش دیگری رجوع کنند و به روش مقرر در بخش پانزدهم متوسل نشوند، این امکان را از خود سلب نموده‌اند که به طور یکجانبه در آینده به نظام بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای توسل جویند؛

ب) دوم اینکه، صلاحیت برطبق بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای اجباری است؛ بدین معنی که هریک از طرف‌های اختلاف می‌تواند به طور یکجانبه بدان توسل جوید (ماده ۲۸۶).^۲ این اصل

^۱ نمونه رویه قضایی در این زمینه قضیه ماکس پلانت (MOX Plant) نزد دیوان بین‌المللی حقوق دریاهاست. این قضیه که دعوی میان ایرلند و انگلستان است ابتدا نزد دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای مطرح می‌شود و منجر به صدور دستور موقت مبنی بر این می‌شود که قضیه باید نزد دیوان دائمی داوری طرح شود و صلاحیت رسیدگی از آن دیوان دائمی داوری است که نهایتاً قضیه به صدور رأی داوری در سال ۲۰۰۳ می‌انجامد. در این رابطه بنگرید به:

MOX Plant Case (Interim Measures), 2001, ITLOS, NO. 10;

و همچنین رأی دیوان دائمی داوری به مشخصات ذیل:

- MOX Plant Arbitration, (Ireland – UK), 2003, PCA.

نمونه دیگر از رویه قضایی در خصوص مقوله ثانوی بودن نظام حل و فصل اختلاف مقرر در بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، قضیه ماهی تن بلوفین جنوبی نزد محکمه داوری است که در این قضیه محکمه داوری خود را فاقد صلاحیت می‌داند بدین دلیل که طرفین پیش از این توافق کرده بودند که اختلافاتشان باید از طریق نظام حل و فصل اختلاف مقرر در کنوانسیون ماهی تن بلوفین فیصله یابد، حتی با اینکه توافق مزبور صلاحیت اجباری را لحاظ نموده است و به صراحت هم امکان رجوع متعاقب به شیوه‌های حل و فصل اختلاف مندرج در بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای را، در صورت عدم کامیابی طرفین در حل و فصل اختلاف مذکور، منع و مستثنی نموده است. در این رابطه بنگرید به:

- Southern Bluefin Tuna Arbitration, 2000, *International Law Materials*, No. 39, p. 1359.

^۲ ماده ۲۸۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای چنین است:

«ماده ۲۸۶: اجرای روش‌های مقرر در این قسمت

منوط به رعایت مفاد قسمت ۳، هر اختلاف راجع به تفسیر یا اجرای این کنوانسیون، هنگامی که با توسل به قسمت ۱ هیچ نتیجه‌ی دال بر حل و فصل حاصل نمی‌گردد، باید به درخواست هر یک از طرف‌های اختلاف، به دادگاه یا محکمه صلاحیتدار بر طبق این بخش ارجاع شود.»

برای مطالعه بیشتر در این زمینه، بنگرید به منبع ذیل:

- Alan Boyle, *Ibid*, pp. 526- 527.

پیوست پنجم، «سازش» است. در روش اجباری «سازش»، پیشنهادهای به طرف‌های اختلاف داده می‌شود، تا از رهگذر آن اختلافات خود را فیصله دهند، اما الزام‌آور نیستند. صرف‌نظر از اختلافات مربوط به مرزهای دریایی، گروه مهم دیگری از قضایا که در آن‌ها، سازش تنها روش اجباری حل‌وفصل اختلاف است، (Boyle, 2007) اختلافات خاص مربوط به ماهی‌گیری یا تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی هستند. این همان چیزی است که رژیم ماده ۲۶۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در مورد اختلافات، تحقیقات علمی دریایی را از اختلافات راجع به سایر بخش‌های کنوانسیون متمایز می‌سازد.

نکته اساسی در اینجا این است که برطبق پاراگراف الف بند ۲ ماده ۲۹۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، دولت ساحلی هیچ تکلیفی به قبول حل و فصل اجباری نسبت به هیچ اختلاف ناشی از اعمال حقوق آن دولت وفق مواد ۲۴۶ و ۲۵۳ دایر بر تنظیم مقررات تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره، یا دایر بر اعطاء خودداری، تعلیق، یا رجوع از رضایت نسبت تحقیقات علمی دریایی در آن مناطق ندارد. باید توجه داشت که «منظور این نیست که تمامی اختلافات پیش‌گفته را الزاماً باید به رژیم‌های حل و فصل اختلاف بیرون از بخش پانزدهم کنوانسیون ارجاع داد، بلکه منظور این است که دولت ساحلی را نمی‌توان مجبور به رجوع به رژیم‌های مقرر در بخش پانزدهم کنوانسیون نمود.» (Boyle, 2007)

حال اگر دولت ساحلی با رجوع به حل و فصل الزام‌آور موافقت ننمود، در این صورت تنها مرجع حل و فصل اجباری در چنین مواردی، سازش مطابق با پیوست پنجم است، آن هم مشروط به این شرط که کمیسیون آشتی مربوطه، نتواند تشخیص دولت ساحلی را در خودداری از دادن رضایت، به دلایل تحقیقات متضمن اکتشاف یا بهره‌برداری منابع طبیعی، حفاری در فلات قاره، جزایر مصنوعی یا ورود مواد زیان‌بار به محیط زیست دریایی، با تردید مواجه

کند (پاراگراف ب بند ۲ ماده ۲۹۷).

د) در نهایت، چهارمین عنصر اصلی نظام حل و فصل اختلاف مقرر در بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، گزینشی بودن آن است؛ بدین معنا که هر دولت عضو یکی از روش‌های چهارگانه حل و فصل اختلاف را به اختیار خود برمی‌گزیند: دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، داوری و داوری ویژه (ماده ۲۸۷). این روش که به «فرمول مونترو Montreux Formula» موسوم است به‌طور خلاصه بدین معناست که داوری، اجباری است، مگر آن‌که طرف‌های اختلاف از پیش، از طریق صدور اعلامیه یا به‌صورت موردی رضایت داده باشند که اختلافشان از طریق یکی از سه روش دیگر مقرر در ماده ۲۸۷ حل‌وفصل گردد. (Boyle, 2007)

مبحث سوم: کاربرد ماده ۲۹۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها

ماده ۲۹۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها قاعده کلی درخصوص «اعمال حقوق حاکمیتی یا صلاحیت دولت ساحلی مقرر در کنوانسیون» را مورد تأکید دوباره قرار می‌دهد، این در حالی است که در بندهای متعاقب آن، کاربرد این حقوق را به دو گونه متفاوت از اختلافات محدود می‌کند. این موارد به ترتیب ذیل‌اند:

«الف) وقتی که ادعا شده است که یک دولت ساحلی برخلاف مقررات این کنوانسیون در مورد آزادی‌ها و حقوق دریانوردی، هوانوردی یا نصب کابل‌ها و خطوط لوله زیردریایی، یا در مورد سایر کاربردهای قانونی بین‌المللی از دریا به نحو مقرر در ماده ۵۸، اقدام نموده است.

ب) وقتی ادعا شده است که یک کشور در اعمال آزادی‌ها، حقوق یا کاربردهای مذکور برخلاف مقررات این کنوانسیون یا قوانین و مقررات مصوب دولت ساحلی در انطباق با این کنوانسیون و سایر قواعد حقوق بین‌الملل که با این کنوانسیون قابل انطباق می‌باشند، اقدام کرده است.»

از همین‌رو، ماده ۲۹۷ (بند ۱)، از یکسو اشاره به

نباید تصمیم دولت ساحلی را با تردید مواجه سازد. مبحث چهارم: رسیدگی قضایی بر اساس ماده ۲۴۴

ماده ۲۴۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها دربردارنده یک سامانه حل و فصل اختلاف است. این سامانه به طور خاص، رسیدگی قضایی است. در خصوص این سامانه، بندهای ۳ و ۵ ماده ۲۴۴ از اهمیت به سزایی برخوردارند. بنابراین در این مبحث از نوشتار به تفکیک این دو مقررہ مورد اشاره قرار می‌دهیم.

الف) بند ۳ ماده ۲۴۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها^۲

کمابیش روشن است که واژه «اختیار» در شق ۱ پاراگراف الف بند ۲ از ماده ۲۹۷ به چه معنا است. در عین حال، اشاره به «حق» دولت ساحلی در همین مقررہ محل بحث بوده و باب تفسیر را می‌گشاید. به نظر می‌رسد که کاربرد این واژه با این نیت همراه بوده که آن دسته اختلافات مربوط به فعالیت‌های تحقیقاتی را از شمول صلاحیت مستثنی و خارج نماید که دولت ساحلی در خصوص آن‌ها هیچ‌گونه اختیاری نداشته و یا مکلف به اعطای رضایت درمورد آن‌ها است. می‌توان چنین فرض نمود که ماده ۲۴۴ (بند ۳) کنوانسیون چیزی بیش از یک استثنای صرف وارد بر قاعده کلی مقرر در ماده ۲۴۴ (بند ۱) است،^۴

از رضایت مطابق با بند ۵ ماده ۲۴۴ را نباید خدشه‌ای بدان وارد کند».

^۳ بند ۳ ماده ۲۴۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها چنین است:

«۳. دولت‌های ساحلی، در شرایط و اوضاع و احوال عادی، رضایت خود برای پروژه‌های تحقیقات علمی دریایی به‌وسیله دولت‌های دیگر یا سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار در منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره آنها که مطابق با این کنوانسیون منحصراً برای اهداف صلح‌آمیز و به منظور افزایش دانش علمی محیط زیست دریا به نفع اتمام بشریت انجام می‌شوند، را اعطا می‌کنند. به این منظور دولت‌های ساحلی مقررات و ضوابطی را برای تضمین اینکه رضایت به‌طور غیرمنطقی به تأخیر نیفتد یا استکفان نشود، وضع خواهند نمود.»

^۴ «ماده ۲۴۴: تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و در فلات قاره

۱. دولت‌های ساحلی، در اعمال صلاحیت خود، حق تنظیم، اجازه و انجام تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره خود مطابق با مقررات مربوطه این کنوانسیون را دارند.»

مقررات ماهوی بخش پنجم کنوانسیون دارد، از سوی دیگر، به‌طور کلی‌تر اشاره به توازن میان منافع دولت‌های ساحلی، و سایر دولت‌ها دارد.

ماده ۲۹۷ (بند ۲) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به روشنی اشاره به بخش سیزدهم کنوانسیون دارد و همزمان کاربرد کلی بخش دوم را مورد شناسایی قرار می‌دهد. هرچند، این بند از ماده ۲۹۷ دربردارنده برخی استثنائات مهم مربوط به حل و فصل مسایل ماهوی است که منعکس‌کننده اختلافات پیچیده‌تر و ظریف‌تر در منافع دولت‌ها، در جریان مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریا است. (Rosenne, 1978) این استثنائات از قرار ذیل‌اند:

الف) ۱- اعمال ... حق یا اختیار مقرر در ماده ۲۴۴؛ یا
۲- تصمیم ... مبنی بر دستور (موقت) تعلیق یا قطع کامل پروژه تحقیقاتی وفق ماده ۲۵۳.

ب) اختلاف ناشی از این ادعا ... که ... دولت ساحلی حقوق خود را مقرر در مواد ۲۴۴ و ۲۵۳، به نحو سازگار و منطبق با کنوانسیون به اجرا نمی‌گذارد.

یک اختلاف براساس ماده ۲۹۷ (بند ۲ پاراگراف ب) می‌تواند توسط هریک از طرف‌های آن نزد کمیسیون آشتی مستناد پیوست پنجم، بخش ۲ مطرح شود.^۱ ماده ۲۹۷ (بند ۲ پاراگراف ب) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها دو استثنای دیگر هم بر این قاعده وارد می‌نماید: نخست، اعمال اختیار دولت ساحلی در تعیین نواحی خاص وفق ماده ۲۴۴ (بند ۶)، و دوم، اختیار آن دولت در استکفان از اعطای رضایت برطبق ماده ۲۴۴ (بند ۵).^۲ در این موارد، کمیسیون آشتی

^۱ براساس ماده ۶ پیوست پنجم، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، وظیفه کمیسیون آشتی از قرار ذیل است: «استماع اظهارات طرفین، بررسی دفاعیات له و علیه‌شان، و ارایه پیشنهاداتی به آنها با هدف نیل به یک فیصله مسالمت‌آمیز. این تصمیم جنبه الزام‌آور نخواهد داشت.»

^۲ پاراگراف (ب) بند ۲ ماده ۲۹۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها چنین است: «یک اختلاف ناشی از یک ادعا به‌وسیله کشور تحقیق‌کننده مبنی بر اینکه در ارتباط با یک پروژه مشخص کشور ساحلی حقوقش تحت مواد ۲۴۴ و ۲۵۳ را به یک نحو منطبق با این کنوانسیون اعمال نمی‌کند، به تقاضای هر طرف، به سازش طبق بخش ۲ پیوست ۵ ارجاع خواهد شد، با این شرط که کمیسیون سازش حق اعمال تشخیص توسط کشور ساحلی برای تعیین نواحی مشخص مذکور در بند ۶ ماده ۲۴۴ یا تشخیص او در مورد خودداری

عادی» بیانگر آن است که اصل آن است که دولت ساحلی مکلف به دادن رضایت است؛ از این رو، تعهد به دادن رضایت را آنگاه می‌توان چنین تفسیر نمود که منعکس‌کننده آزادی دریانوردی است. در این صورت، به‌طور کامل می‌توان وجود یا عدم «رضایت در اوضاع و احوال عادی» را مورد رسیدگی قضایی قرار داد.

اما اگر طرفدار دیدگاه دوم (یعنی امتیازی بودن تعهد مزبور) باشیم، می‌توانیم چنین استدلال کنیم که حقوق مندرج در ماده ۲۴۶ (بند ۱) در اولویت بوده و اینکه تعهد به دادن رضایت، تنها مصداقی از حق دولت ساحلی در تنظیم قوانین و مقررات به‌شمار می‌رود. در این صورت، «رضایت در اوضاع و احوال عادی» منتج به اعمال یک حق است و در چارچوب آیین قسمت ۲ قابل توجیه نبوده و در آن حیطه نمی‌گنجد. برای پشتیبانی و تقویت این دیدگاه می‌توان به جمله پایانی ماده ۲۴۶ (بند ۳) مراجعه نمود که دولت ساحلی را مکلف به ایجاد آیین‌های مقتضی می‌نماید؛ پرواضح است که بند ۳، بند ۱ همان ماده را از حیث تنظیم قوانین و مقررات مربوط تحقیقات علمی دریایی پالایش می‌کند.

سرانجام، براساس ماده ۵۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، باید به بخش‌های پنجم و سیزدهم به‌طور توأمان رجوع کنیم و به سنجش استدلال‌های پیش-گفته در پرتو رژیم خاص منطقه انحصاری اقتصادی بپردازیم. به‌نظر می‌رسد در این صورت وزنه تعادل به نفع موضع نخست باشد، آن هم بدین دلیل که ماده ۵۸ اشاره به آزادی‌های دریای آزاد دارد که البته تحقیقات علمی دریایی هم یکی از همین آزادی‌هاست؛ آزادی‌های مزبور ته‌مانده اصولی هستند که تنها در موارد محدودی از طریق صلاحیت دولت ساحلی مقید و محدود شده‌اند، آن هم تا آن حدی که رژیم خاص بخش سیزدهم کنوانسیون در اساس، نیازمند آن است تا با سایر مقررات کنوانسیون سازگار و منطبق باشد. بر همین اساس، آزادی‌های مقرر در ماده ۵۸ کنوانسیون در بطن اختلاف قرار دارند، و نه

به دیگر سخن بند ۳ ماده ۲۴۶ دربردارنده «حق تنظیم قوانین، اجازة و انجام تحقیقات علمی دریایی ... برطبق مقررات مربوطه در کنوانسیون است.» در این صورت، التزام دولت ساحلی مبنی بر «اعطای رضایت برای پروژه‌های تحقیقات علمی دریایی سایر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار در منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره‌اش» خارج از چارچوب شمول ماده ۲۹۷ (بند ۲) پاراگراف الف شق (۱) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای خواهد گرفت و تحت شمول آیین‌های قسمت ۲ قرار خواهد گرفت.

درست است که ماده ۲۹۷ (بند ۲) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای اعمال حقوق و اختیارات دولت ساحلی را از آیین‌های قسمت ۲ مستثنی می‌سازد، با این حال، به نظر می‌رسد بازنگری و بررسی مجدد التزامات دولت ساحلی، یعنی پایبندی به ماده ۲۴۶، از طریق حل و فصل اختلاف عضو ثالث که تصمیم الزام‌آوری به همراه دارد، را ممکن سازد. در چارچوب رژیم کنونی، دولت ساحلی دو تعهد مهم دریاب اجرای بخش سیزدهم کنوانسیون برعهده دارد: نخست، تعهد دولت ساحلی به دادن رضایت به پروژه‌های تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در اوضاع و احوال عادی؛ و دوم، تعهد به ایجاد قواعد و آیین‌های تضمین‌کننده این رضایت بدین منظور که بدون دلیل در دادن رضایت تأخیر نداشته یا از دادن آن استنکاف نرزد.^۱

حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا تعهد به دادن رضایت، امره است و یا جنبه امتیازی دارد. اگر طرفدار دیدگاه نخست (یعنی امره بودن) باشیم می‌توانیم چنین استدلال کنیم که بخش سیزدهم کنوانسیون این قصد را نداشته است که تحقیقات علمی دریایی را به‌طور کامل تحت اختیار خاص دولت ساحلی قرار دهد. کاربرد عبارت «در اوضاع و احوال

^۱ بنگرید به تفسیر ماده ۲۹۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای در جلد پنجم منبع ذیل:

- M. Nordquist, op. cit, vol. V, Articles 279 to 320.

جای طرح و بررسی دارد بند ۵ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها است. بر طبق این مقرر، در مواردی که دولت ساحلی استنکاف خود را از دادن رضایت، بر پایه یکی از دلایل مذکور در ماده ۲۴۶ (بند ۵) توجیه می‌کند، دولت تحقیق‌کننده می‌تواند خواستار به چالش کشیدن و اعتراض بدان تصمیم، وفق آیین قسمت ۲ نماید. در این مورد، پاسخ در گرو واژگان «اعمال» و «حقوق» است. اگر چنانچه اعمال اختیار موجب تصدیق این واقعیت شود که براساس آن تصمیم به‌طور خودسرانه اتخاذ شده است، در این صورت، مسئله از رسیدگی قضایی موضوع آیین قسمت (۲) مستثنی خواهد شد. اما چنانچه تصمیم دایر بر دادن رضایت یا استنکاف از آن، وفق ماده ۲۹۷ (بند ۲ پاراگراف الف شق ۱) اتخاذ شده باشد،^۲ در این صورت، این مسئله که آیا دولت ساحلی اختیار خود را بر مبنای تحلیل منطقی و عقلایی وقایع اتخاذ نموده است یا خیر (و نه به‌طور خودسرانه)، آن را تحت شمول سامانه اجباری حل و فصل اختلاف موضوع بخش پانزدهم، قسمت ۲ قرار خواهد داد.

بنابراین، اکنون لازم است موضوعاتی را که دولت‌ها در رابطه با تحقیقات علمی دریایی می‌توانند در چارچوب این سامانه حل‌وفصل نمایند را مورد بررسی قرار می‌دهیم. نخست، ماده ۲۴۶ (بند ۱) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به‌صراحت فقط حق تنظیم قوانین و مقررات، اجازه و انجام تحقیقات علمی دریایی را در منطقه انحصاری اقتصادی، و نیز استنکاف از دادن رضایت وفق مندرجات ماده ۲۴۶ (بند ۵) را به دولت ساحلی اعطا می‌کند. این مقرر حق تعیین این‌که آیا امور موضوعی یا واقعیات آرایه شده باید مدنظر قرار گیرند یا خیر را به دولت ساحلی نمی‌دهد. این موضوع ربطی به تحقیقات علمی دریایی ندارد، بلکه موضوع دادرسی عادلانه را مطرح می‌کند. از همین‌رو، مسئله نقض ربطی به حقوق و اختیارات دولت ساحلی

به مثابه وزنه‌ای در مقیاس ارزیابی اوضاع و احوال، مطابق با ماده ۵۹ کنوانسیون (Rosenne, 1978) از این‌رو، اعمال صلاحیت دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی، باید حقی امتیازی قلمداد شود. به همین دلیل حق مقرر در ماده ۲۴۶ (بند ۱) نیز باید دارای جنبه امتیازی تفسیر شود و، سرانجام، تعهد به دادن رضایت یعنی مقرر موجود در ماده ۲۴۶ (بند ۳) را باید انعکاسی از آزادی دریانوردی و در نتیجه، قابل رسیدگی قضایی به‌شمار آورد. پس، به بیان ساده‌تر و به‌طور کلی، اعمال صلاحیت دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی اش جنبه امتیازی دارد و در نتیجه آن، حق آن دولت در خصوص بند ۱ ماده ۲۴۶ - یعنی حق تنظیم قوانین و مقررات، اجازه و انجام تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره اش - نیز جنبه امتیازی دارد. حال آن‌که تعهد و تکلیف آن دولت وفق بند ۳ ماده ۲۴۶ - یعنی تعهد به دادن رضایت در اوضاع و احوال عادی به تحقیقات علمی دریایی - جنبه آمره دارد و قابل رسیدگی قضایی وفق آیین‌های قسمت ۲ (ماده ۲۹۷) می‌باشد.

ب) بند ۵ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها^۱

در خصوص موضوع رسیدگی قضایی، مقرر دیگری که

^۱ بند ۵ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از این قرار است:

«هرچند، دولت ساحلی می‌تواند به تشخیص خود رضایتش را برای انجام یک پروژه تحقیقات علمی دریایی یک دولت دیگر یا سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار در منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره خود استنکاف نماید، اگر آن پروژه:

الف) برای اکتشاف و بهره‌برداری منابع طبیعی، اعم از زنده و غیر زنده، اهمیت مستقیم داشته باشد.

ب) شامل حفاری در فلات قاره، استفاده از مواد منفجره یا وارد کردن مواد زیان‌بار به محیط زیست دریایی باشد.

ج) شامل ساخت، اجرا یا استفاده از جزایر مصنوعی، تاسیسات و بناهای مذکور در مواد ۶۰ (در باب ساخت جزایر مصنوعی و ... در منطقه انحصاری اقتصادی) و ۸۰ (در باب ساخت جزایر مصنوعی و ... در فلات قاره) شود.

د) حاوی اطلاعات نادرست مبادله‌شده طبق ماده ۲۴۸ در مورد ماهیت و اهداف پروژه باشد، یا دولت تحقیق‌کننده یا سازمان بین‌المللی صلاحیت‌دار در قبال دولت ساحلی برای یک پروژه تحقیقاتی پیشین، التزامات معوق داشته باشد.»

^۲ بنگرید به تفسیر ماده ۲۴۶ از منبع ذیل:

- M. Nordquist, op. cit, vol. IV, Articles 192 to 278, pp. 501-504.

که باید اثبات کند که اوضاع و احوال قضیه مورد نظر، عادی نبوده است. (Soons, 2007) منافع دولت ساحلی چندان تحت تأثیر چنین تکلیفی قرار نخواهد گرفت، زیرا دولت ساحلی تنها ملزم به دفاع از موضع خود بر مبنای درخواست تحقیق، بدون هرگونه اطلاعات مضاعفی است.

سرانجام این که، در مواردی که بر طبق ماده ۲۵۳، دولت ساحلی دستور تعلیق تحقیقات را صادر نموده است، اگر چنانچه اختلافی در این زمینه ایجاد شود مبنی بر اینکه آیا شروط مقرر در مواد ۲۴۸ و ۲۴۹ اجرا شده‌اند یا خیر، به نظر می‌رسد اختلاف مزبور خارج از چارچوب ماده ۲۹۷ (بند ۲) قرار گرفته و از همین رو امکان استناد به صلاحیت اجباری را خواهد داشت. رفع حالت تعلیق عملیات تحقیقاتی یک التزام برعهده دولت ساحلی است مشروط بر اینکه این تصمیم او برای رفع تعلیق، بر منافعش که وفق مواد ۲۴۶ (بند ۵) و ۲۴۹ تضمین و حفاظت شده‌اند، تأثیری نداشته و خدشه‌ای وارد نسازد. از سوی دیگر، دستور مبنی بر تعلیق یا قطع کامل عملیات، اساساً در زمره اقدامات اجرایی قلمداد می‌شود که تابعی از اعمال استیفای حقوق دولت ساحلی است. در اینجا استثنایی هم وجود دارد و آن هم در مواردی است که این دستور (تعلیق یا قطع کامل عملیات) بر مبنای مدارک و علل نادرست اتخاذ شده باشد که آن دستور را، حداقل، در معرض خطر نقض ماده ۳۰۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها قرار خواهد داد.

مبحث پنجم: اختلافاتی که بخش سیزدهم ترتیبی برای آن‌ها نیاندیشیده است:

در این فراز به بررسی اختلافاتی خواهیم پرداخت که در چارچوب تحقیقات علمی دریایی، بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها ترتیبی برای حل و فصل آن‌ها نیاندیشیده است.

الف) اختلافات حادث در چارچوب بخش سیزدهم کنوانسیون که در آن، یک طرف اختلاف، سازمان بین‌المللی است:

ندارد، بلکه مربوط به «اصول کلی حقوق مورد پذیرش ملل متمدن»^۱، به‌ویژه، حق دسترسی به دلایل مربوطه برای تصمیم‌گیری و صدور رأی است. این بدین معنی است که دولت تحقیق‌کننده می‌تواند مقوله استتکاف دولت ساحلی از دادن رضایت را وفق آیین قسمت ۲ به چالش کشیده و مورد اعتراض و طرح دعوی قرار دهد، آن هم در مواردی که، به‌طور مثال دولت ساحلی امور موضوعی را مشخص نموده است و یا به غلط مشخص نموده است.

دوم، این مسئله که، آیا یک پروژه تحقیقاتی خاص دارای اهمیت مستقیم برای اکتشاف و بهره‌برداری منابع طبیعی هست یا خیر، منوط به کیفیت تفسیر واژه «مستقیم» دارد. این مقوله در عمل تصمیمی خودسرانه و در اختیار دولت ساحلی است و از همین رو می‌توان آن را به کمیسیون آستی ارجاع نمود.

سوم اینکه، چنانچه دولت ساحلی از دادن دلیل موجه برای تصمیمی که وفق بند ۳ یا بند ۵ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها اتخاذ نمود، خودداری ورزد، می‌توان به روشنی چنین استدلال نمود که این رفتار دولت ساحلی ناقض ماده ۳۰۰ کنوانسیون بوده و بر همین اساس کاملاً قابلیت رسیدگی قضایی را داراست. یک چنین خودداری به روشنی نه مصداق حق، و نه مصداق اعمال حق توسط دولت ساحلی بر طبق ماده ۲۴۶ کنوانسیون خواهد بود. هرچند، برای اینکه قابلیت رسیدگی قضایی محقق شود، دولت تحقیق‌کننده باید حق خود را در تقاضای دلیل موجه، انشاء و مطالبه کند. یک التزام دولت ساحلی از دادن رضایت، قابل تفسیر بر مبنای ماده ۲۴۶ (بند ۳) است؛ بدین ترتیب که، در مواردی که رضایت نباید در شرایط عادی با استتکاف مواجه شود، این دولت ساحلی است

^۱ بنگرید به تفسیر ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری (به‌ویژه پاراگراف ج بند ۱ آن) توسط آلن پله در منبع ذیل:

- A. Zimmermann, CH. Tomuschat and K. Oellers-Frahm, *The Statute of the International Court of Justice: A Commentary*, Oxford University Press, 2004, pp. 250-261.

که دولت صاحب پرچم هر کشتی که متولی تحقیقات است (و در قالب سازمان بین‌الدولی به انجام تحقیقات علمی دریایی اقدام نموده) این امکان (یا شاید تمایل) را دارد که ابتکار اقامه دعوی را به نیابت از سازمان به دست بگیرد، اما ضمانتی برای آن وجود ندارد. از این رو، به نظر می‌رسد این خلأ جدی در کنوانسیون باشد.

ب) آزادی سریع کشتی‌های تحقیقاتی علمی

کشتی‌های ماهیگیری و کشتی‌های بازداشتی برای نقض قواعد و استانداردهای بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست دریایی از حق آزادی سریع کشتی خود در قبال پرداخت وثیقه برخوردارند، و ماده ۲۹۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها این اختیار را به دیوان بین‌المللی حقوق دریاها برای تحقق همین منظور می‌دهد. متأسفانه کشتی‌های تحقیقات علمی دریایی از چنین حقی در آزادی سریع نقض احتمالی بخش سیزدهم کنوانسیون برخوردار نیستند، و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها مرجعی نیست که دولت صاحب پرچم این کشتی‌ها بدین منظور بتوانند بدان رجوع کنند. این هم به نظر می‌رسد خلأ دیگری باشد که کنوانسیون در حوزه رژیم تحقیقات علمی دریایی آن را رفع ننموده است.

ج) دستور موقت

اختلافات مربوط به تحقیقات علمی دریایی که حل و فصل آنها در جریان است و معطل رسیدگی هستند، برطبق ماده ۲۶۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، تا زمانی که روند حل و فصل اختلاف خاتمه نیابد، دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی صلاحیتدار مجاز به انجام پروژه‌های تحقیقات علمی دریایی، انجام اینگونه فعالیت‌ها را بدون رضایت صریح دولت ساحلی مربوطه نباید اجازه دهند. این موضوع از این جهت دشواری ایجاد خواهد کرد که معمولاً رسیدگی این اختلافات زمان طولانی نیاز دارد، به‌ویژه اگر طرف‌های اختلاف صلاحیت اجباری یک محکمه واحدی را نپذیرفته باشند. بنابراین، آن دسته اختلافات مربوط به تحقیقات علمی دریایی که خارج از چارچوب بخش

پرسشی که کنوانسیون پاسخی بدان نداده است آن است که هنگامی که یک سازمان مانند کنوانسیون بین‌الدولی اقیانوس‌شناسی یا فائو خود را در جایگاه طرف اختلاف با یک دولت در خصوص تحقیقات علمی دریایی می‌بیند، تکلیف چیست؟

برخلاف بخش یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها که در آن هم خود مقام بین‌المللی اعماق و هم پیمانکاران طرف قرارداد آن، امکان اقامه دعوی نزد شعبه حل اختلافات بستر دریا را دارند، نظام حل و فصل اجباری اختلاف مقرر در بخش پانزدهم کنوانسیون تنها هنگامی امکان رجوع برای موجودیت‌های غیر از دولت‌ها را مجاز می‌دارد که «به‌صراحت این تجویز در کنوانسیون» مقرر شده باشد (ماده ۲۹۱). (Boyle, 2007) این در حالی است که هیچ مقرره‌ای در کنوانسیون به‌صراحت سازمان‌های بین‌المللی را قادر به توسل به دادرسی‌های بخش پانزدهم یا طرف دعوی قرار گرفتن در این دادرسی‌ها ندانسته است (به جز مواردی که پیوست یازدهم بر آن‌ها مجری است که همانا اتحادیه اروپایی است). این درحالی است که ماده ۲۶۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها آشکارا مشارکت سازمان‌های بین‌المللی را در بخش پانزدهم کنوانسیون مورد اشاره قرار داده است. یک اختلاف که در آن سازمانی بین‌المللی دخیل است امکان اقامه نزد دیوان بین‌المللی حقوق دریاها یا داوری را از طریق توافق طرفین اختلاف دارد، اما این روش، روشی اجباری برای حل و فصل اختلاف به‌شمار نمی‌رود و هیچ حمایتی را در مواردی که توافق حاصل نمی‌شود، به‌عمل نمی‌آورد.

یکی از راه‌های چاره در این موارد آن است که دولت‌های عضو به‌طور جمعی به نیابت از سازمان مربوطه طرح دعوی کنند، تاکتیکی که در سال‌های گذشته توسط اتحادیه اروپایی به کار گرفته شد به هنگامی که مسئله امکان اقامه دعوی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری وفق کنوانسیون ایکائو مطرح شد. (Boyle, 2007) در هر صورت، شاید بتوان گفت

تنوع در بادی امر نوعی پیچیدگی را به ذهن متبادر می‌سازد که تبیین و موشکاوای این روش‌ها را اقتضا می‌نماید. این که کشورمان همچنان در زمره کشورهای بی‌بهره‌ای است که به این کنوانسیون مهم بین‌المللی نپیوسته است، و مناطق دریایی ج.ا.ایران چه در خلیج فارس و دریای عمان و چه در دریای خزر مناطق پراهمیتی از حیث فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی به‌شمار می‌روند، و نیز در مقطع کنونی کشورمان به فناوری و تجهیزات انجام تحقیقات در دریاهای آزاد در دوردست نایل شده است، همگی ضرورت نیل به آگاهی همه‌جانبه و درست از روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی در زمینه تحقیقات علمی دریایی را برای کشورمان مورد تاکید قرار می‌دهند تا بتوانیم چشم‌اندازی آگاهانه و روشن از مواضع خود در رابطه با این کنوانسیون بین‌المللی ترسیم کنیم.

روش‌های عمومی مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات مقرر در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، که احکام لازم‌الاجرائی را در پی دارند، بر مقوله‌های مندرج در بخش سیزدهم کنوانسیون هم جاری و ساری‌اند،^۲ به استثنای اختلافات مربوط به تفسیر یا اجرای مواد ۲۴۶ و ۲۵۳.^۳ این دسته اختلافات تحت پوشش آیین

^۲ بنگرید به متن ماده ۲۶۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای در همین نوشتار.

^۳ ماده ۲۵۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای چنین است:

ماده ۲۵۳: تعلیق یا قطع کامل فعالیت‌های تحقیقات علمی دریایی

۱- یک کشور ساحلی حق خواهد داشت تعلیق هر فعالیت تحقیقات علمی دریایی در حال اجرا در داخل منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره خود را درخواست نماید، اگر:

الف) فعالیت‌های تحقیقاتی مطابق با اطلاعات داده شده به نحو مقرر در ماده ۲۴۸ که رضایت کشور ساحلی بر آنها مبتنی بوده، انجام نمی‌شوند.

ب) کشور یا سازمان بین‌المللی صلاحیت‌دار انجام دهنده فعالیت‌های تحقیقاتی مقررات ماده ۲۴۹ در رابطه با حقوق کشور ساحلی در ارتباط با پروژه تحقیقات علمی دریایی را رعایت نمی‌نماید.

۲- کشور ساحلی حق خواهد داشت، در صورت هرگونه عدم رعایت مقررات ماده ۲۴۸ که به یک تغییر عمدی در پروژه تحقیقاتی یا فعالیت‌های تحقیقاتی منتهی می‌شود، توقف هر فعالیت تحقیقات علمی دریایی را بخواهد.

۳- اگر هریک از وضعیت‌های مذکور در بند ۱ طرف یک مدت زمان متعارف تصحیح نشوند، کشور ساحلی همچنین می‌تواند قطع فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی را درخواست کند.

پانزدهم کنوانسیون قرار می‌گیرند، در بلاتکلیفی باقی خواهند ماند. این خلأ نیز در حوزه تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای قابل مشاهده است. (Boyle, 2007) البته شاید بتوان گفت این خلأها، همگی بخشی از قیمتی هستند که می‌بایست برای نیل به یک وفاق عام^۱ در یک معامله کلی (Package deal) مبتنی بر بده‌بستان پرداخت می‌شد که در برخی موارد هم متوازن‌سازی منافع رقبا در این معامله کلی بسیار گزاف تمام می‌شود تا در نهایت این منافع متوازن را به هم پیوند دهد. (Boyle, 2007)

نتیجه‌گیری:

حقوق بین‌الملل دریاهای عرصه‌ای است که ارتباطات دولت‌ها را در صحنه دریاهای اقیانوس‌ها نهادینه می‌سازد. امروزه یکی از حوزه‌هایی که، به دلیل تاثیرگذاری مثبتش در توسعه مناطق و صنایع دریایی، نقش پررنگی در گستره این ارتباطات ایفا می‌کند و مآلاً در کانون توجه دولت‌ها قرار گرفته است، تحقیقات علمی دریایی است. ارتباطات و تعامل ناگزیر دولت‌ها در زمینه تحقیقات علمی دریایی احتمال بروز اختلاف در تفسیر یا اجرای مقررات مربوط به این فعالیت‌های تحقیقاتی را ممکن می‌سازد. از همین رو، پیش‌بینی آیین‌ها و روش‌هایی برای حل و فصل این اختلافات احتمالی آتی شرط حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، به‌ویژه در صحنه دریاهای اقیانوس‌ها، است. این پیش‌بینی به‌درستی و به‌دقت در قانون اساسی دریاهای، که همانا کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاهای است آمده است.

روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی حادث در نتیجه انجام فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای مجموعه متنوعی از روش‌ها را در دسترس دولت‌ها قرار می‌دهد که امکان‌پذیرترین روش‌های سازگار با مصالح هر دولت را برای وی فراهم ساخته است. این

^۱ بخش سیزدهم UNCLOS از طریق وفاق عام به تصویب رسیده است که یکی از دلایل مهم نیل به این وفاق عام، عدم تعریف تحقیقات علمی دریایی بوده است.

عضویت به این سند مهم بین‌المللی دریایی است، و ترسیم یک تصویر شفاف از تمامی زوایا، به ویژه از زوایای پیچیده و مجمل آن اقتضا می‌نماید، بیش از پیش احساس می‌شود؛ خاصه با عنایت این واقعیت که تاکنون هیچ تحقیقی از بعد حقوقی در کشور به این موضوع نپرداخته است.

منابع

- Anderson, David., 2007. Scientific Evidence in Cases under Part XV of the LOSC, in M. H. Nordquist and others, editors, Law, Science and Ocean Management, Martinus Nijhoff, pp. 505-518, at pp. 517- 518.
- Boyle, Alan., 2007. Forum Shopping for UNCLOS Disputes Relating to Marine Scientific Research, in M. H. Nordquist and others, editors, Law, Science and Ocean Management, Martinus Nijhoff, pp. 519-540.
- Boyle, A. E., 1997. Dispute Settlement and the Law of the Sea Convention: Problems of Fragmentation and Jurisdiction, International and Comparative Law Quarterly, No. 46, at 37.
- Gorina-Ysern, M., 2003. An international regime for marine scientific research, Transnational Publishers.
- Nordquist, M. H. and others, editors, 2002. United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982: A Commentary, Articles 1 to 85, Annexes I and II, Final Act, Annex II, Volume II, Dordrecht.
- Nordquist, M. H., editor, 2002. United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982: A Commentary, Volume I, Dordrecht.
- Nordquist, M. H., Koh, T. T.B. and Moore, J. N., 2009. Freedom of Seas, Passage Rights and the 1982 Law of the Sea Convention, Center for Oceans Law and Policy, Leiden: Martinus Nijhoff.
- Nordquist, M. H., Moore, J. N. And Mahmoudi, S., editors, 2003. The Stockholm Declaration and Law of the Marine Environment, The Hague: Kluwer Law International.
- Nordquist, M. H., Rosenne, S. and Sohn, L. B., editors, 2002. United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982: A Commentary, Articles 279 to 320, Annexes V, VI, VII, VIII and IX, Final Act, Annex I, Resolutions I, III and IV, Volume V, Dordrecht.
- Nordquist, M. H., Rosenne, S. and Yankov, A., editors, 2002. United Nations Convention

سازش مقرر در پیوست پنجم، قسمت ۲ از کنوانسیون هستند.^۱ بنابراین، یکی از گزینه‌هایی که دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق دریاها برای حل و فصل اختلافات خود برمی‌گزینند که البته آرای لازم‌الاجرا صادر می‌کند، «داوری ویژه» وفق پیوست هشتم کنوانسیون حقوق دریاها است. بر طبق این پیوست، یک آیین داوری ویژه در چهار حوزه، از جمله در زمینه تحقیقات علمی دریایی به وجود می‌آید. فهرست کارشناسان در این حوزه‌ها توسط سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار تهیه می‌شود که از میان آن‌ها طرفین اختلاف می‌توانند اعضای محکمه داوری را بر طبق پیوست هشتم انتخاب نمایند. هر دولت عضو کنوانسیون حقوق دریاها می‌تواند دو کارشناس را برگزیند. دبیر اجرایی کمیسیون بین‌الدولی اقیانوس‌شناسی فهرست کارشناسان در حوزه تحقیقات علمی دریایی را بر طبق پیوست هشتم تهیه می‌کند. «به‌طور تقریبی ۴۵ دولت عضو کنوانسیون حقوق دریاها تا به حال این کارشناسان را برگزیده‌اند.» (Soons, 2007) جالب است که بدانیم هیچ اختلافی میان دولت‌ها که به‌طور خاص ناشی از تحقیقات علمی دریایی باشد تاکنون به هیچ یک از ارکان حل و فصل اختلاف مقرر در کنوانسیون ملل متحد حقوق دریاها ۱۹۸۲ ارجاع نشده است، همچنین هیچ یک از این نوع اختلافات به دیگر آیین‌های حل و فصل اختلاف مندرج در سایر اسناد حقوقی بین‌المللی نیز ارجاع نشده است. با این وجود، ضرورت آگاهی از ابعاد روشن و دقیق روش‌های حل و فصل این گونه اختلافات، برای کشورها به‌ویژه برای کشور ما که در حال هموار نمودن مسیر

۴- پیرو اعلام تصمیم و دستور کشور ساحلی درمورد تعلیق یا قطع تحقیقات، کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار مجاز به انجام فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی، فعالیت‌های تحقیقاتی موردنظر، را پایان خواهند داد.

۵- وقتی که کشور تحقیق‌کننده یا سازمان بین‌المللی صلاحیت‌دار شرایط مذکور در مواد ۲۴۸ و ۲۴۹ را رعایت نموده، کشور ساحلی دستور تعلیق مندرج در بند ۱ لغو خواهد کرد و فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی ادامه خواهند یافت.

^۱ بنگرید به متن بند ۲ ماده ۲۹۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در همین نوشتار.

on the Law of the Sea, 1982: A Commentary, Articles 192 to 278, Final Act, Annex VI, Volume IV, Dordrecht.

Rosenne, SH., 1978. The Settlement of Disputes in the New Law of the Sea, *Iranian Review of International Relations*, No. 11-12, pp. 401-433.

Soons, A. H. A., 2007. The Legal Regime of Marine Scientific Research: Current Issues, In M. H. Nordquist and others, editors, *Law, Science and Ocean Management*, Martinus Nijhoff, pp. 139-166.

Wegelein, F. H. Th., 2005. Marine scientific research: the operation and status of research vessels and other platforms in international law, Martinus Nijhoff, pp. 32- 61.

Zimmermann, A., Tomuschat CH., and Oellers-Frahm, K., 2004. The Statute of the International Court of Justice: A Commentary, Oxford University Press, pp. 250-261.